

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۹

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال هفتم، شماره ۲۵، تابستان ۱۳۹۷

پرچم‌های باطل در آستانه ظهور (ابقع، اصهب، سفیانی)

رضا مهدیان فر^۱

چکیده

احادیث معصومین علیهم‌السلام از رخدادهایی در آستانه ظهور خبر می‌دهند که به منظور در امان ماندن از آفات فتنه‌های آخرالزمان بازخوانی این روایات ضروری به نظر می‌رسد. برپایه این روایات افزون بر فتنه‌های عامی که در سراسر سرزمین‌های اسلامی به وقوع خواهد پیوست، فتنه‌های خاصی نیز در برخی شهرها از جمله در دمشق اتفاق خواهد افتاد که پرچم‌های سه‌گانه از جمله این آشوب‌ها هستند. اصهب، ابقع و سفیانی سه فرمانده شورشی و صاحبان این پرچم‌ها هستند که هر سه باطل بوده و اصهب و ابقع به دست سفیانی هلاک خواهند شد. مسلم بودن برافراشته شدن پرچم‌های سه‌گانه، باطل بودن هر سه آنها، وابستگی به بلوک شرق و غرب و نقش نداشتن شیعیان در درگیری‌های آنان تا زمان پی‌جویی و کشتار شیعیان از سوی سفیانی از جمله یافته‌های پژوهش حاضر هستند. در این نوشتار با روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی - تحلیلی، با استناد به منابع معتبر روایی سعی در رمزگشایی از روایات مربوط به ابقع و اصهب داریم.

واژگان کلیدی

پرچم، اصهب، ابقع، سفیانی، دمشق، نشانه‌های ظهور.

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (rezamahtab52@yahoo.com).

انتظار دستیابی به سعادت و خوشبختی و دوری از ناملایمات از همان ابتدا یار قرین و همراه دائمی انسان‌ها بوده است. در این میان وعده‌رهایی از سوی انبیاء و اولیاء نیز این انتظار را قوت بخشیده و وی را به تلاش برای آگاهی از سرنوشت آینده جامعه خویش واداشته است. فقدان ادوات مناسب برای گشودن این راز سر به مهر و عدم توانایی مردم در دسترسی به آن چه در پس پرده نهان مانده، موجب بوده تا عموم اقوام، پرده برداری از این راز را از قدیسان، راهبان، کاهنان، منجمان، طالع‌بینان و بالاخره پیشگویان بخواهند. چه، دست یازیدن به این اسرار نهان را از توان انسان‌های معمولی خارج می‌دانستند. به دلایلی زبان عموم این آثار تمثیلی، رمزگونه و استعاری است (شفیعی سروستانی و دیگران، ۱۳۸۳: ۹-۱۰). ادیان آسمانی نیز در راستای پاسخ دادن به این پرسش اساسی در زندگی انسان‌ها از رخدادهای آینده بشر و نشانه‌های ظهور منجی خبر داده‌اند. چنان‌که بخشی از آثار و منابع مسلمین نیز در بردارنده اخبار آخرالزمان، ملاحم و فتن و بالاخره ظهور موعود است. این اخبار را می‌توان در روایات رسیده از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و پس از وی در روایات ائمه معصومین علیهم السلام جست. اطمینان از صحت اقوال و اخبار صادره از معصومین علیهم السلام به دلیل نسبت حقیقی آنان با منبع وحی و الهام و جایگاه ویژه آنان به عنوان ولی و سرپرست مسلمین و حجج الهی در گستره زمین، موجبات توجه جدی و تذکر مسلمین و شیعیان به این اخبار را در سال‌های سخت و طاقت‌فرسای قبل از ظهور فراهم آورده است (شفیعی سروستانی و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۳). از آن جا که شریعت مقدس اسلام خاتم ادیان و شرایع است خدای سبحان در آیات شریفه و رسول خدا و اهل بیت طاهرینش در روایات خود چشم‌اندازی را ترسیم نموده‌اند تا از آسیب‌هایی که جامعه اسلامی و دین مبین اسلام را تهدید می‌کند تحذیر دهند. زیرا براساس روایات، عصر ماقبل‌الظهور، عصر فتنه‌هاست که در امان ماندن از آسیب‌های آن نیازمند آگاهی درست و دقیق از حقیقت فتنه‌هاست. از این رو پروردگار مهربان از همان روزهای نخست نسبت به وقوع فتنه‌ها در میان مسلمین هشدار داده است. چنان‌که رسول مهربانی‌ها و اهل بیت طاهرینش نیز از ملاحم و آشوب‌هایی که به زودی دامن جامعه اسلامی را گرفته و در هر زمانی ادامه داشته تا عصر پیش از ظهور و پس از ظهور را شامل خواهد شد، پرده برداشته و نسبت به وظایف مسلمین در این فتنه‌ها آگاهی داده‌اند. بخش عمده‌ای از این روایات پیشگویی درباره نشانه‌های ظهور شامل جنگ‌ها، شورش‌ها، کشته شدن افرادی خاص، برخی رویدادهای طبیعی مانند زلزله، سیل‌های

ویران گر، خسوف و کسوف؛ و اجتماعی مانند گرانی، بی‌حجابی و... است که از این میان پرچم‌های شورشی است که به لحاظ نمود بیشتر اجتماعی و گستره تأثیر آن در سرنوشت جوامع در هر عصری به ویژه در عصر حاضر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. هم از این رو محدثان و عالمان مسلمان با جدیت در جمع‌آوری و نگهداری این آثار کوشیده و در کتب روایی بابی تحت عنوان «الملاحم و الفتن» را گشودند. در دوره‌های بعدی آثار مستقلاً با همین عنوان یا عنوان *الغیبه* و نگارش‌هایی که بازتاب‌دهنده عصر ظهور یا آستانه ظهور هستند از سوی محدثان و دانشمندان اسلامی نگارش یافت که نشان از اهتمام دانشمندان و اندیشه‌وران اسلامی در حفظ چشم‌انداز اسلامی دارد. دنیای غرب در سده‌های اخیر بیش از پیش موضوع آخرالزمان را مورد کاوش و پژوهش قرار داده است. چنان که رخدادها و آشوب‌های سال‌های اخیر خاورمیانه نیز توجهات جدی همگان به ویژه مسلمانان را به این اخبار دوچندان کرده و آثار و پژوهش‌هایی را به دنبال داشته است.

ضرورت و اهمیت پژوهش

فتنه‌گران با نقاب دینداری ظهور کرده و با مشتبه ساختن حقیقت بر دینداران به آشوب در جامعه اسلامی می‌پردازند. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

انَّ الْفِتْنَةَ إِذَا أَقْبَلَتْ شَبَّهَتْ؛

زمانی که فتنه رو آورد [حقیقت] را مشتبه می‌سازد (قمی، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ۲۵).

از این رو روشن بینی و بصیرت کارآمدترین سلاح برای رویارویی با آنان و مانعی برای توسعه دامنه آتش‌افروزی‌های آنان خواهد بود. مقصود اصلی آیات و روایات ترسیم چشم‌اندازی است تا شریعت مقدسه و جامعه اسلامی را از آسیب‌هایی که به ویژه در عصر فتنه‌ها تهدید می‌کند در امان نگه دارند. از این رو از همان آغازین روزهای وحی به فتنه‌ها و آشوب‌هایی که مسلمانان را تهدید می‌کند زنه‌ار داده‌اند. پرهیز از افتادن در دام فتنه‌ها و از سوی دیگر موضع‌گیری مناسب در رخدادهای جامعه اسلامی و مسئولیت‌پذیری در برابر آن نیازمند آگاهی و بصیرت است. مطمئن‌ترین راه برای دست‌یابی به این مهم از رهگذر آیات و روایاتی است که از حقیقت این رخدادها پرده برداشته‌اند. از این رو بازخوانی این روایات و تدبر عالمانه در آنها و پرهیز از شتاب‌زدگی در تطبیق، به ویژه در عصر حاضر برای عموم انسان‌ها و به ویژه منتظران مصلح بسی ضروری است. چنان‌که افتادن در دام فتنه‌ها و مصون نماندن از آسیب‌های فتنه و گرفتار

آمدن در دام مدعیان دروغین مهدویت نتیجه محتوم بی‌توجهی به این روایات است. در پژوهش حاضر به اصهب و ابقع از پرچم‌های سه‌گانه به عنوان یکی از نشانه‌های آستانه ظهور در دمشق، اشاره خواهیم داشت. به رغم تلاش‌های ارزنده دانشمندان و پژوهشگران اسلامی در موضوع نشانه‌های ظهور به طور عام، با جست‌وجو در پایگاه‌های نور و کتابخانه‌ها و سایت‌های اینترنتی به پژوهشی مستقل با عنوان مزبور دست نیافتیم؛ و تنها در ضمن همان پژوهش‌ها به اشارات کوتاهی بسنده شده است. از این رو خلأ حاضر پژوهش مستقلی را می‌طلبد تا با تمرکز بر این نشانه خاص به تحلیلی جامع دست یابیم.

شامات

«شام» قدیم یا «شامات» از لحاظ جغرافیایی سرزمینی بزرگ در آسیای غربی، حد فاصل «دریای مدیترانه»، «سواحل غربی «فرات»، «مرز شمالی «حجاز»، «مرز جنوبی «روم شرقی» قدیم و «ترکیه» فعلی است. شام از لحاظ تاریخی یک پای همیشگی تاریخ اسلام است و در تاریخ جنگ‌های دوران اسلامی، به خصوص جنگ‌هایی که با اروپاییان در گرفته است، جایگاه ویژه‌ای دارد. شام پس از جنگ جهانی اول به چهار کشور «سوریه»، «اردن»، «فلسطین» و «لبنان» تقسیم شد (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۱: ج ۱، ۳۵۵). سرزمین شام از دیرباز نقش مهمی در تحولات جامعه اسلامی بازی کرده و در طول تاریخ سیاسی، اجتماعی و علمی از جمله مناطق مهم جهان اسلام به شمار رفته است.

در روایات عصر ظهور نیز یکی از مهم‌ترین نقاط اثرگذار بر واقعه شریف ظهور، شام می‌باشد. از جمله رخدادهای مهم این سرزمین در آستانه ظهور قیام‌ها و شورش‌های بسیاری است که عمدتاً باطل بوده و در پی دست‌یابی به قدرت در برابر مهدی موعود علیه السلام هستند.

به گزارش روایات عصر ظهور، شامات به ویژه دمشق کانون فتنه‌ها و آشوب‌ها بوده و رخدادهای فراوانی را در آستانه ظهور تجربه خواهد کرد. از آن‌جا که دمشق بخشی از پیشگویی‌های آستانه ظهور را به خود اختصاص داده است، در این نوشتار به دنبال بازخوانی روایات مربوط به پیشگویی‌ها درباره دمشق و به طور خاص به یکی از نشانه‌ها که برافراشته شدن پرچم‌های اصهب و ابقع در آستانه ظهور است می‌پردازیم.

فتنه‌های عمومی

روایات عصر ظهور، جوی آشوب‌زده و پر تنش را در بیشتر کشورهای اسلامی در آستانه ظهور

به تصویر می‌کشند. این فتنه‌ها و اختلافات که مدتی قبل از ظهور در جوامع انسانی و خصوصا در خاورمیانه به عنوان مکان جغرافیایی ظهور وجود دارد، در آستانه ظهور تشدید می‌شود و در سال ظهور به اوج خود می‌رسد و با ظهور، بساط این فتنه‌ها برچیده می‌شود. شامات نیز که از دیرباز یکی از سرزمین‌های مهم اسلامی به شمار می‌رفته کانون این فتنه‌ها و آشوب‌ها خواهد بود. مستندات بسیاری بر حوادث شام، در سال‌های قبل از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه اشاره می‌کنند. مهم‌ترین آنها روایت جابر در کتاب *الغیبه* نعمانی است که از امام محمد باقر عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند که فرمودند:

ای جابر! قائم ظهور نمی‌کند تا آن‌که فتنه‌ای شام را فراگیرد و اهل شام به دنبال رهایی از آن هستند؛ اما راهی برای آن نمی‌یابند (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۹).

همچنین روایات فراوانی که از فراگیری اختلاف و درگیری در سرزمین‌های اسلامی و عربی خبر می‌دهند از وقوع آن در شام نیز خبر داده‌اند.

فتنه‌های خاص

بر پایه روایات اهل بیت علیهم‌السلام، افزون بر فتنه‌های عام، فتنه‌های خاصی نیز در دمشق رخ خواهد داد. فتنه‌هایی چون سفیانی، اصبه، ابقع، نبرد قرقیسیا، زلزله، ویرانی دمشق، ندای آسمانی و مانند اینها. تاکنون نوشتارهای پرشماری درباره سفیانی از سوی پژوهشگران به رشته تحریر درآمده است. از میان سایر آشوب‌ها نیز با نظر به اهمیت و تناسب با رخداد‌های کنونی در این پژوهش کوتاه تنها به واکاوی فتنه‌های اصبه و ابقع پرداخته و اشاره‌ای به نبرد قرقیسیا خواهیم داشت.

اصهب و ابقع در روایات آخرالزمان

جابر جعفی در ضمن روایتی طولانی از امام باقر عجل الله تعالی فرجه نقل کرده است که فرمود:

یا جابر أول الأرض المغرب تخرب أرض الشام مختلفون عند ذلك علی رایات ثلاث رایة الأصبه و رایة الأبقع و رایة السفیانی فیلقی السفیانی الأبقع و یقتلون فیقتله و من معه، و رایة الأصبه ثم لا یكون لهم هم إلا الإقبال نحو العراق و مرجیش بقرقیسیا فیقتلون بها مائة ألف من الجبارین... (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۲۴۴-۲۴۵)؛

ای جابر نخستین سرزمین غربی (غرب جهان اسلام) که ویران می‌شود سرزمین شام است. در آن وقت مردم بر سه پرچم (لشکر) اختلاف می‌کنند؛ پرچم اصبه، پرچم ابقع و پرچم

سفیانی. سفیانی پس از رویارویی و درگیری با ابقع، وی و سربازانش را می‌کشد. همچنین اصهب را نیز می‌کشد و به سوی عراق رو می‌آورد و لشکری از قرقیسیا عبور کرده و صدهزار نفر از ستمگران را می‌کشند.

در نقل دیگری از عیاشی آمده است:

امام به جابر فرمود: پیوسته بر جای خود باش و هیچ حرکتی نکن تا زمانی که نشانه‌هایی را که برای تو برمی‌شمارم در یک سال ببینی، و ببینی منادیی در دمشق ندا می‌دهد، و روستایی از روستاهای دمشق در زمین فرو می‌رود، و گروهی از مسجد آن سقوط می‌کنند. پس زمانی که دیدی [لشکر] ترک از دمشق عبور کرده و در جزیره [موصل] فرود آمدند و [لشکر] روم در رمله فرود آمدند و آن سال در همه سرزمین‌های عرب اختلاف است و مردمان شام در آن زمان بر سه پرچم اصهب، ابقع و سفیانی اختلاف کنند که بنی ذنب الحمار مضر در یک سو و دابی‌های سفیانی از طایفه کلب نیز با وی هستند. سفیانی با مضر جنگ شدید و بی‌نظیری می‌کنند. مردی از بنی ذنب الحمار در دمشق حضور می‌یابد و به شکل بی‌نظیری او و همراهانش کشته می‌شوند و این همان آیه شریفه است که می‌فرماید: «فاختلف الاحزاب من بینهم...» و سفیانی با لشکریانش پیروز می‌شوند تا این که آل محمد علیهم‌السلام و شیعیانش را دنبال می‌کنند... (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۶۴).

نعمانی نیز با اندکی اختلاف نقل کرده است:

امام باقر علیه‌السلام به جابر فرمود: ای جابر بنشین و هیچ کاری نکن تا زمانی که نشانه‌هایی را که برای تو برمی‌شمارم ببینی. نخستین نشانه اختلاف بنی عباس است که تو آن را خواهی دید ولی از من، برای نسل‌های پس از من آن را نقل کن. [نشانه دیگر] منادیی از آسمان ندا می‌کند و صدایی که از سوی دمشق برای پیروزی [بلند شده است] را می‌شنوید. نیز قریه‌ای از قریه‌های شام بنام جاییه فرو می‌رود و گروهی از سمت راست مسجد دمشق سقوط می‌کنند. گروهی از ناحیه ترک از دین خارج می‌شوند و لشکر روم تعقیب‌شان می‌کند. برادران ترک در جزیره فرود می‌آیند و سرکشان روم در رمله فرود می‌آیند. ای جابر در آن سال در هر ناحیه از مغرب اختلاف فراوانی است. نخستین سرزمینی که ویران می‌شود سرزمین شام است. در آن زمان بر سه پرچم اختلاف می‌کنند پرچم اصهب، ابقع و سفیانی. سفیانی با ابقع برخورد و درگیر شده و او را با یارانش می‌کشد. سپس اصهب را نیز کشته و همتی جز رو آوردن به سوی عراق را ندارد. لشکر سفیانی از قرقیسیا عبور کرده و درگیر می‌شود که در نتیجه آن صد هزار نفر از جباران کشته می‌شوند. سفیانی هفتاد هزار نفر به سوی کوفه گسیل می‌دارد که به کشتن، غارت و اسارت اهل کوفه می‌پردازند. همواره به این کار مشغول هستند تا پرچم‌هایی از سمت خراسان می‌آیند... (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۹-۲۸۰؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۴۱-۴۴۲؛ شیخ

مفید، (الف) ۱۴۱۳: ۲۵۵-۲۵۶).

شیخ مفید در *ارشاد* نیز با همان سند *اختصاص* و متن کوتاه با اندکی تفاوت نقل کرده است. در این متن به اختلاف بنی عباس تصریح شده و به جای «اخوان الترتک» «الترتک» آمده و پس از اشاره به ویرانی شام تعبیر «و سبب خرابها اجتماع ثلاث رایات...» آمده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ (ب): ج ۲، ۳۷۲-۳۷۳؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۸۲).

پرچم‌های سه‌گانه در مصادر اهل سنت

در بعضی از منابع اهل سنت نیز به پرچم‌های سه‌گانه در دمشق اشاره شده است:

عمار بن یاسر گفت: زمانی که ترک به سوی شما لشکرکشی کند و خلیفه شما که اموال را جمع می‌کند بمیرد و پس از وی فرد ضعیفی جانشینش شود و پس از دو سال خلع شود. روم و ترک به مخالفت هم برمی‌خیزند و جنگ‌ها در زمین پدید می‌آیند. منادی بر دیوار دمشق ندا می‌دهد: وای بر عرب از شری که نزدیک است؛ غرب مسجد دمشق فرو می‌رود و دیوارش می‌ریزد. سه نفر در شام که طالب حکومت هستند شورش می‌کنند مردی ابقع، مردی اصهب و مردی از خاندان ابوسفیان که به همراه قبیله کلب خروج می‌کند. مردم در دمشق محاصره می‌شوند. اهل مغرب (غربی‌ها) خروج می‌کنند و وارد مصر می‌شوند که همان نشانه سفیانی است. پیش از آن، کسی که به آل محمد ﷺ دعوت می‌کند قیام می‌کند. [لشکر] ترک در جزیره و [لشکر] روم (غربی‌ها) در رمله (منطقه ای در شام) فرود می‌آیند. صاحب مغرب رو می‌آورد و مردان را کشته و زنان را به اسارت می‌برد. سپس به مسیرش ادامه می‌دهد تا این که در جزیره بر سفیانی وارد می‌شود (المقدسی، ۱۳۹۹: ۴۶-۴۷).

حاکم نیشابوری نیز با سند متصل و صحیح در *مستدرک* خود در ضمن روایتی از علی بن ابی طالب علیه السلام با تفاوت‌هایی از فتنه‌ای که اهل شام را در برمی‌گیرد از وجود پرچم‌هایی که در آستانه ظهور طالب قدرت بوده و با یکدیگر درگیر خواهند شد خبر داده است (حاکم نیشابوری، بی‌تا: ج ۴، ۵۵۳؛ طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۱۷۶).

نعیم بن حماد از حکم بن نافع از جراح از ارطاه نقل می‌کند که گفت:

زمانی که ترک و روم اجتماع کنند و آبادی در دمشق فرو برود و گروهی از سمت غرب مسجد دمشق سقوط کنند، سه پرچم ابقع، اصهب و سفیانی در شام برافراشته شود. شخصی در دمشق محاصره شود و با همراهانش کشته شود. دو نفر از فرزندان ابوسفیان شورش کنند و دومی پیروز شود. هنگامی که ابقع از مصر بیرون آید سفیانی با لشکرش بر

آنان ظاهر شود. ترک و روم را در قرقیسیا بکشد تا درندگان زمین از گوشت‌شان سیر شوند (نعیم بن حماد، ۱۴۱۴: ۱۷۰).

نعیم بن حماد روایات متعددی را در رابطه با «پرچم‌های سه‌گانه» نقل کرده است که با روایات اهل بیت علیهم‌السلام همسو می‌باشند. براساس نقل ابن حماد ابقع از مصر خواهد بود. (شیخ کورانی این مطلب را نپذیرفته و توجیهاتی دارند: مصر و اهل‌البیت، ۲۳۳).

بررسی سند روایات

در منابع شیعی روایات پرچم‌های سه‌گانه و نبرد قرقیسیا را جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه‌السلام نقل کرده است. نخستین بار عیاشی در قرن چهارم در تفسیر خود با بسنده کردن به نام جابر و حذف بقیه سند این روایت را نقل کرده است. نظر به جلالت عیاشی و دقت و تخصص وی در علم حدیث و رجال نمی‌توان به سادگی روایات نقل شده توسط وی را به دلیل نقص در سند کنار گذاشت. از سوی دیگر گفته شده است روایات تفسیر عیاشی مسند بوده ولی بعد از وی نُسَاح کتاب آن را حذف کرده‌اند (نک: مقدمه طباطبایی بر تفسیر عیاشی).

نعمانی معاصر عیاشی، این روایت را به چند طریق و با سند کامل آورده است. جابر بن یزید جعفی فردی موثق است. عمرو بن ابی‌المقدام نیز معروف و ثقه است (خوئی، ۱۴۱۳: ج ۱۴، ۸۲). طوسی، بی‌تا: ج ۲، ۸۳۰). احمد بن محمد بن سعید معروف به ابن عقده جلیل‌القدر و عظیم‌الشأن است (شیخ طوسی، ۱۴۱۵: ۴۰۹). محمد بن مفضل ثقه است (خوئی، ۱۴۱۳: ج ۶، ۳۹). احمد بن حسین بن عبدالملک نیز ثقه است (نجاشی، ۱۴۱۶: ۸۰).

شیخ مفید و شیخ طوسی نیز با همین سند نقل کرده‌اند جز این که شیخ طوسی از فضل از حسن بن محبوب نقل کرده است. مقصود از فضل که از حسن بن محبوب نقل می‌کند فضل بن شاذان است که فردی مورد وثوق و جلیل‌القدر است (خوئی، ۱۴۱۳: ج ۱۴، ۳۰۹). نتیجه این که روایات مزبور با نظر به مصدر روایات که در کتبی چون تفسیر عیاشی، غیبت نعمانی و شیخ طوسی آمده است و در سلسله سند ضعیفی مشاهده نشد دارای قوت سند بوده و اطمینان به صدورشان حاصل می‌شود.

بررسی سند روایات اهل سنت

نعیم بن حماد از حکم بن نافع از جراح از ارطاه نقل کرده است. حکم بن نافع در اعتماد به

روایاتش مشکلی وجود ندارد (عجلی، ۱۴۰۵: ج ۱، ۳۱۴؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۵۸۱). جراح بن ملیح بهرانی توثیق شده است (ابن ابی حاتم الرازی، ۱۳۷۱: ج ۲، ۵۲۴). اراطاه بن المنذر السکونی توثیق زیادی شده است؛ ثقة ثقة (ابن ابی حاتم الرازی، ۱۳۷۱: ج ۲، ۳۲۶-۳۲۷). هر چند روایات اهل سنت جز یک روایت که از علی بن ابی طالب علیه السلام است و حاکم نیشابوری سندش را صحیح دانسته است، از صحابه نقل شده است ولی با نظر به این که افراد مورد وثوقی نقل کرده اند به احتمال زیاد روایات مزبور را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گرفته اند و به هر روی اصل مطلب در میان اهل سنت نیز ثابت شده است.

بررسی محتوای روایات

روشن شد که روایات شیعه و سنی با تفاوت بسیار اندکی از برافراشته شدن سه پرچم در آستانه ظهور در دمشق خبر می دهند. باز خوانی محتوای روایات و فهم درست آن ما را به مقصود روایات که هشدار برای آماده شدن منتظران ظهور و پرهیز از غلتیدن در خطا و اشتباه و فتنه هاست نزدیک تر می کند. بر پایه این روایات، در آستانه ظهور سه پرچم در دمشق برافراشته خواهد شد. هر سه پرچم باطل بوده و به دنبال دست یافتن به قدرت هستند. از آن جا که پرچم نماد لشکر است، هریک از این سه پرچم دارای قدرت نظامی و طرفداران فراوانی خواهند بود. همچنین این پرچم ها زمانی برافراشته خواهند شد که سرزمین شام آشوب و ویرانی را تجربه خواهد کرد. شنیده شدن ندایی در دمشق، سقوط گروهی از مسجد دمشق، فرورفتن آبادی در دمشق، فرود آمدن لشکر ترک در جزیره (عراق) که بین النهرین است (یا قوت حموی، ۱۹۹۵: ج ۲، ۱۳۴، ۱۳۷؛ صدر، ۱۴۱۲: ۴۷۳) و لشکر روم در رمله، منطقه ای در شام (اسکندری، ۱۴۲۵: ج ۱، ۵۳۱؛ صدر، ۱۴۱۲: ۴۷۳) از نشانه هایی است که هم زمان با برافراشته شدن این سه پرچم اتفاق خواهد افتاد. در نهایت درگیری شدیدی بین سفیانی و ابقع و اصهب رخ خواهد نمود که سرانجام با کشته شدن ابقع و اصهب و طرفداران شان، سفیانی بر دمشق سلطه خواهد یافت. سفیانی پس از قدرت یافتن به پی جویی شیعیان پرداخته و به کشتارشان دست می زند. وی پس از کشتار اصهب و ابقع و حرکت به سوی عراق به منظور کشتار شیعیان در منطقه قرقیسیا با لشکر ترک و روم درگیری شدیدی پیدا می کند. با استفاده از محتوای روایات مزبور و روایات هم سو به دست می آید که از این پس آغاز ظهور یا نزدیک به آن خواهد بود. چنان که سفیانی در آستانه ظهور شورش کرده و هم زمان با

ظهور و به دنبال پی‌جویی امام عصر علیه السلام یا لشکریان وی نابود خواهد شد. از این رو این رخدادها به ظهور بقیة الله متصل خواهند شد.

بر اساس این روایات افزون بر اصبه، ابقع و سفیانی دو گروه بزرگ که به احتمال دو بلوک قدرت شرق و غرب باشند در رخدادهای دمشق نقشی اساسی خواهند داشت. این احتمال زمانی تقویت می‌شود که برخی از مهدویت‌پژوهان (نک: آثار علی کورانی)، ترک در روایات را به روس‌ها معنا کرده‌اند. چنان‌که به ترک‌های ترکیه نیز معنا شده است که هم‌جواری ترکیه با مکان جغرافیایی این حوادث و تحرکات دولت ترکیه نیز این احتمال را تقویت می‌کند. بنابراین بنا به آن‌چه از روایات به دست می‌آید به طور مسلم پرچم‌های سه‌گانه‌ای که شورشی بوده و هر سه طالب قدرت و باطل می‌باشند در دمشق برافراشته خواهند شد و بر اساس روایات، شیعیان از همراهی با سفیانی خودداری کرده و خدای سبحان آنان را از [شر] خروج با وی حفظ می‌کند:

عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال: ... خرج السفیانی.. یخرج بالشام فیتقاد له أهل الشام إلا طوائف من المقیمین علی الحقی یغصمهم الله من الخروج معه... (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۴-۳۰۵):

... مردم منطقه شام از سفیانی اطاعت می‌کنند بجز پیوندگان راه حق (شیعیان) که خداوند آنها را از شر خروج و همراهی با سفیانی، حفظ می‌کند... .
چنان‌که در روایات پیشین امام باقر علیه السلام، جابر را به خودداری از هرگونه اقدام سفارش می‌کند تا این‌که سفیانی ابقع و اصبه را کشته و راهی سرزمین عراق می‌شود و پس از نبرد در قرقیسیا به سوی کوفه می‌رود و در این هنگام لشکری از خراسان وارد کارزار می‌شوند (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۹-۲۸۰؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۶۴) این روایات نشان‌دهنده ورود شیعیان ایران به رخدادهای دمشق پس از کشته شدن ابقع و اصبه به دست سفیانی خواهد بود.

اصبه و ابقع کیستند؟

اصبه در لغت به معنای سرخی در موی سر و ریش است زمانی که در ظاهر سرخ ولی در باطن سیاه باشد و به شتر سرخ مو نیز گفته می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۴۱۳) و به رومیان نیز به دلیل رنگ چهره و دشمنی با اسلام گفته می‌شود (تونه‌ای، ۱۳۸۳: ۱۰۷) و به معنای خاص، نام یکی از دو مدعی قدرت و رقیب سفیانی است که به احتمال زیاد غیرمسلمان است.

زیرا بعضی از روایات او را با صفت «علج» معرفی کرده‌اند و این تعبیر معمولاً درباره سربازان کافر به کار می‌رود (یزدی حائری، ۱۴۲۲: ج ۲، ۱۸۴؛ شفیعی سروستانی، ۱۳۸۳: ۵۱۱). ابقح در لغت به هر شیء سیاه و سفید و به خصوص به کلاغ سیاهی که با سفیدی آمیخته باشد و به هر شخص پلید و به ابرص و شوره‌زار و کسی که لباس وصله‌دار و رنگارنگ می‌پوشد تعبیر شده است (نک: العین، اساس البلاغه، الفائق فی غریب الحدیث، النهایه فی غریب الحدیث: ذیل واژه «بقح») به فرزندان که در شام از ازدواج عرب با کنیزان روم به دنیا می‌آمدند و سفیدی رومی‌ها و سیاهی عرب را داشتند نیز گفته می‌شد (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۱، ۱۴۶) و در روایات یکی از دو رقیب سفیانی به شمار رفته است.

آیا این دو، نام دو نفر از مدعیان قدرت و رقیب سفیانی است یا وصفی است که آنان را توصیف می‌کند؟ همچنین آیا این دو، نماد دو قدرت استکباری هستند یا به دو فرد قدرت طلب اشاره دارند؟ نیاز به دقت و تأمل دارد. مطلب زیادی در روایات نیامده است تا این حقیقت را بیان و روشن سازد. از این رو هر دو احتمال امکان دارد. اما از این که در برخی نقل‌ها، ابقح و اصهب وصف «رجل» واقع شده و نیز از کشته شدن این دو نفر و همراهان‌شان خبر داده شده است؛ احتمال وصف بودن آن دو برای دو شخص معین تقویت می‌شود اگر نگوییم تعین پیدا می‌کند. چنان که با جست‌وجویی که در منابع انجام شد در همه موارد به عنوان وصف به کار رفته بودند. همان‌گونه که سفیانی نیز منسوب به ابوسفیان و از نسل وی می‌باشد نه این که نام شخص معینی باشد (مفید، بی تا: ج ۲، ۳۴۸-۳۴۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۶۳). به هر روی بر پایه روایات، این سه پرچم در دمشق برافراشته خواهد شد که هر سه شورش و باطل هستند. پیروز نهایی در رویارویی این سه مدعی قدرت، سفیانی است. سفیانی نخست با ابقح درگیر شده و وی را با لشکریانش به قتل می‌رساند و سپس اصهب و طرفدارانش را می‌کشد. به گفته برخی مهدویت پژوهان به نظر می‌رسد که ابقح فرمانروا، (یعنی کسی که نقطه سیاه و سفید در چهره دارد) در فرمانروائی شام از رقیب اصهب یعنی (زردچهره) سابقه دارتر است، زیرا روایات خاطرنشان می‌سازد که قیام اصهب از خارج پایتخت یا مرکز به وجود می‌آید و وی بر سر استیلای بر آن شکست می‌خورد. در حالی که ابقح قدرتمند اصلی و یا انقلابگری است که تا اندازه‌ای پیروز می‌شود و اصهب به رقابت با او برخاسته و از خارج پایتخت براو حمله‌ور می‌شود اما هیچکدام نمی‌توانند بر دیگری پیروزی قاطعی به دست آورند، از این رو سفیانی از این فرصت استفاده نموده و از خارج پایتخت دست به یورش می‌زند و هر دوی آنها را تار و مار

می‌کند (کورانی، ۱۳۸۳: ۱۱۰). اما در روایات منابع معتبر چنین مطلبی نیامده است از این رو پذیرفتن آن بسیار دشوار است. برداشت آقای کورانی از روایات این است که اصهب طرفدار روس (ترکان) و ابقع هوادار غرب است که به دلیل ضعف ابقع، روس‌ها بر آنان چیره خواهند شد، آن‌گاه غربی‌ها و یهودیان برای اعاده سلطه خویش بر سایر سرزمین‌ها برای جنبش سفیانی هم‌پیمان خود، برنامه‌ریزی می‌کنند (کورانی، ۱۳۸۳: ۱۱۰-۱۱). هر چند این برداشت دور از صواب نیست ولی اثبات آن از روایات اندکی دشوار است.

نتیجه این که اصهب و ابقع، وصف برای دو فرمانده شورشی هستند که به احتمال زیاد به نشانه‌هایی در چهره یا لباس یا هر دوی آنها اشاره دارد.

تطبیق روایات بر رخداد‌های شام

تطبیق نشانه‌های ظهور که در روایات اسلامی بیان شده است از مسائل مهمی است که امروزه به دلیل رخداد‌های جهانی مورد توجه واقع شده و هر چند پژوهش‌های علمی پیراسته از این تطبیق‌ها هستند اما گاهی گفتارها و نوشتارهای ژورنالیستی با تطبیق‌های بدون ضابطه، افکار عمومی را آشفته می‌کنند. تطبیق روایات بر رخداد‌های مورد اشاره در روایات از دشوارترین اموری است که نمی‌توان با شتاب به این امر اقدام کرد زیرا اگر به درستی این تطبیقات انجام نشود مشکلات بسیاری گریبان ما را خواهد گرفت؛ چنان‌که امکان دارد که حتی به مرور، اصل مسئله مهدویت را نیز کمرنگ کند (آیتی، ۱۳۹۱: ۹). از این رو باید در تطبیق روایات، با دقت و تدبر و اندکی با احتیاط گام برداشته و بر اساس معیارها و ضوابط خاصی دست به تطبیق زد. باید در جریان تطبیق توجه داشته باشیم که نخست این که تطبیق باید بر مبنای علم و یقین باشد و نه حدس و گمان؛ دوم این که تمام ویژگی‌های مذکور در روایات معتبر باید در مصداق مورد نظر بالفعل موجود باشد؛ سوم، نباید در جریان تطبیق مرتکب تأویل شد؛ چهارم، تطبیق باید با سایر ضوابط دینی همسو و هماهنگ باشد و پنجم این که مصداق مورد نظر باید یا خود معجزه‌آسا باشد، یا با نشانه‌ای معجزه‌آسا ارتباط داشته باشد (آیتی، ۱۳۹۱: ۹). ولی شتاب‌زدگی در این امر سبب سردرگمی و چه بسا انحراف در اعتقادات را به دنبال خواهد داشت. از آن‌جا که بیشتر این تطبیق‌ها در مسیر تعیین وقت ظهور صورت می‌گیرد توجه به روایات نهی از توقیت ظهور پرفایده خواهد بود. برخی سعی در تطبیق روایات بر رخداد‌هایی دارند که امروزه در سطح شام اتفاق افتاده است. از جمله تطبیق اصهب و ابقع بر عبدالکریم بلحاج از فرماندهان نظامی

لیبی، عبدالحلیم خدام از معارضان سوری، ابراهیم عزت الدوری، رهبران کرد، رهبران جمعیت اخوان المسلمین (سایت رایحه ظهور: فتنه شام) و موارد دیگر که به دلیل دارا بودن نشانه‌ای از نشانه‌های مورد اشاره در روایات مورد تطبیق واقع شده‌اند. روشن است پذیرفتن چنین تطبیقی بسیار دشوار خواهد بود. رمزگشایی از روایات، به ویژه روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیازمند آشنایی کامل با فرهنگ اهل بیت و علوم حدیث و اصطلاحات ویژه روایات به ویژه در بستر تاریخ است. با درنگ در روایات و بهره‌مندی از دیدگاه‌های فقها و دانشمندان علم‌الحدیث می‌توان به این مهم دست یافت. بر اساس روایاتی که بازخوانی شد شورش اصهب و ابقع با رخدادهایی همزمان خواهد شد که از آن میان می‌توان به ورود نیروهای ترک به جزیره (عراق) و نیروهای کشورهای غربی به رمله [منطقه‌ای در شام یا مصر]، شنیده شدن ندایی از دمشق، فرورفتن آبادی جاییه در دمشق و حصر دمشق اشاره کرد. در پایان نیز این درگیری‌ها به نبرد قرقیسیا ختم خواهد شد. از این رو با تامل در این نشانه‌ها و دقت فراوان در محتوای احادیث یاد شده و روایات هم‌سو می‌توان به حقایقی درباره رخدادهای آستانه ظهور دست یافت. روشن‌ترین نشانه‌ای که در روایات همسو و مرتبط یاد شده و از نشانه‌های حتمی ظهور نام برده شده است، شورش سفیانی است که حجم انبوهی از روایات را به خود اختصاص داده است. از این رو در تطبیق روایات بر مصادیق از توجه به ویژگی‌های سفیانی نباید غافل ماند. چنان‌که بر پایه روایات، قدرت‌های اهریمنی از بلوک شرق و غرب نقش برجسته‌ای در تحولات شام دارند. از آن جا که مقصود روایات اهل بیت علیهم‌السلام از این پیشگویی‌ها، آماده‌سازی منتظران برای ظهور و ترسیم خط مشی و چشم‌اندازی است که بتوان بر اساس آن در فتنه‌ها و آشوب‌های آستانه ظهور گام برداشته و موضع‌گیری به جایی داشت، شایسته است در بررسی روایات و تطبیق آن بر رخدادها سعی بلیغ شود تا از همراهی با پرچم‌های باطل و مخالفت با پرچم‌های حق پرهیز شود.

به اعتقاد نگارنده از آن جا که نمادین بودن زبان روایات مربوط به نشانه‌های ظهور در روایات اهل بیت علیهم‌السلام به دلیل جو خفقان حاکم بر اهل بیت علیهم‌السلام از قوت بیشتری برخوردار است و ادعای تحقق مجموعه شرایط و نشانه‌ها چه در گذشته و چه در حال حاضر کار دشواری است و تطبیق نشانه‌ها بر رخدادهای گذشته و کنونی صحیح نمی‌باشد. زیرا چنان‌که از بیان روایات روشن شد، این پرچم‌ها در آستانه ظهور و متصل به آن خواهند بود. از این رو تطبیق آن بر حوادثی در گذشته دور از صواب بوده و به دلیل تحقق نیافتن مجموع نشانه‌ها تطبیق آن بر

اتفاقات کنونی با شتاب‌زدگی همراه است. حاصل این‌که براساس این روایات و حتمی بودن سفیانی از نشانه‌های ظهور و هم‌زمانی آن با این پرچم‌ها که خود نشانه‌ای گویا در شناخت حقیقت است، دست نشانده بودن این دو فرد از سوی بلوک شرق و غرب دور از صواب نخواهد بود چنان‌که تبدیل شدن دمشق به صحنه درگیری‌ها به لحاظ واقع شدن در مکان جغرافیایی خاصی که در میان پیروان ادیان آسمانی مورد توجه ویژه است دور از انتظار نخواهد بود. از این رو نباید در تطبیق روایات از این امور غافل ماند.

در ضمن روایات مربوط به اصهب و ابقع از نبردی سخت در منطقه‌ای به نام قرقیسیا یاد شده است. سفیانی پس از نابودی اصهب و ابقع در منطقه‌ای به نام قرقیسیا به شدت درگیر می‌شود که کشته‌های زیادی را به دنبال خواهد داشت. قرقیسیا شهری در شمال سوریه و نزدیک مرزهای سوریه و عراق و ترکیه است که امروزه خرابه‌های آن نزدیک شهر دیرالزور سوریه قرار دارد (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۳: ۴۸۸). بازخوانی روایات مربوط به این نبرد خود مجال جداگانه‌ای می‌طلبد که در این مقاله به دلیل اشاره روایات بیان‌کننده پرچم‌های سه‌گانه به نبرد قرقیسیا پس از پایان دادن به غائله اصهب و ابقع به همین مقدار بسنده شد.

نتیجه‌گیری

بر پایه مستندات رسیده از معصومین و صحابه در روایات فریقین سرزمین شام عموماً و شهر دمشق به طور خاص کانون رخدادها، آشوب‌ها و فتنه‌هایی خواهد بود که از آن میان می‌توان به برافراشته شدن سه پرچم باطل در آن اشاره کرد. اصهب و ابقع وصف دو فرمانده شورشی هستند که صاحب دو پرچم از پرچم‌های سه‌گانه باطل در آستانه ظهور در شهر دمشق هستند. این وصف به احتمال فراوان ویژگی‌های جسمی این دو فرمانده شورشی را توصیف می‌کنند که به احتمال در چهره‌های آنان نمایان باشد. سومین پرچم را فردی از خاندان ابوسفیان فرماندهی می‌کند که در پایان با کشتن اصهب و ابقع پیروز میدان خواهد بود. اصهب و ابقع دو وصف نمادین و رمزگونه برای دو فرمانده شورشی هستند. برای رمزگشایی از این تعبیرات روایی نیازمند دقت و تأمل فراوان در مجموعه روایات اهل بیت علیهم‌السلام هستیم تا از تطبیق نابه‌جای آن به دور مانده و به مقصود روایات که ترسیم چشم‌انداز پیروان راستین اهل بیت علیهم‌السلام برای موضع‌گیری مناسب در رخدادها و پرهیز از افتادن در دام فتنه‌گران است نزدیک شویم. تدبر در روایات مشتعل بر این دو وصف و هم‌زمانی بعضی حوادث با این

پرچم‌ها و نیز تأمل در احادیث مرتبط با آن مانند احادیث مربوط به نبرد قرقرسیا، سفیانی و مانند اینها حقایق پیش روی ما می‌گشاید که از آفت شتابزدگی در تطبیق در امان می‌مانیم. از سوی دیگر به این نتیجه می‌رسیم که به طور قطع پرچم‌های سه‌گانه در دمشق در آستانه ظهور برافراشته خواهد شد که قطعاً هر سه باطل هستند و برای شیعیان نقشی در این حوادث نقل نشده است. زیرا در میان این پرچم‌های باطل درگیری ایجاد شده و به دست خود نابود خواهند شد، سفیانی پس از نابودی اصبه و ابقع با نیروهای ترک و روم در منطقه‌ای به نام قرقرسیا درگیر خواهد شد. سپس در پی دنبال کردن و کشتار شیعیان از سوی سفیانی شیعیان و ایرانی‌ها وارد میدان کارزار شده و پیروز میدان خواهند بود. با نظر به نمادین بودن زبان روایات و دشوار بودن ادعای تحقق مجموعه شرایط تطبیق نشانه‌ها بر مصادیق در گذشته و حال دور از صواب است.



منابع

- آیتی، نصرت الله، «معیارهای تطبیق نشانه‌های ظهور»، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۲۳، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۱.
- ابن ابی حاتم الرازی، الجرح والتعديل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۱.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
- اسکندری، نصر بن عبدالرحمن، الامکنه والمیاه والجبال والآثار، ریاض، مرکز ملک فیصل، ۱۴۲۵ق.
- تونه‌ای، مجتبی، موعودنامه: فرهنگ الفبایی مهدویت، قم، مشهور، ۱۳۸۳.
- حاکم نیشابوری، المستدرک، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۱۳.
- ذهبی، میزان الاعتدال، به کوشش: علی محمد البجاوی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۸۲.
- شفیعی سروستانی، اسماعیل و دیگران، پیشگویی‌ها و آخرالزمان، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۳.
- شفیعی سروستانی، اسماعیل، دانشستان سرزمین‌های درگیر در واقعه شریف ظهور، تهران، موعود عصر، ۱۳۹۱.
- شیخ طوسی، محمد، الغیبه، قم، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱.
- _____، رجال الطوسی، به کوشش: جواد قیومی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵.
- _____، رجال الکشی، قم، مؤسسه آل‌البتیة، بی‌تا.
- صدر، سیدمحمد، تاریخ الغیبه الکبری، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۲.
- طبرانی، المعجم الاوسط، بی‌جا، دارالحرمین، ۱۴۱۵.
- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، مؤسسه آل‌البتیة، ۱۴۱۷.
- عجلی، معرفه الثقات، مدینه منوره، مکتبه الدار، ۱۴۰۵.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تهران، علمیه، ۱۳۸۰.
- قمی، عباس، سفینه البحار، قم، اسوه، اول، ۱۴۱۴ق.
- کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه: عباس جلالی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳.
- مفید، محمد بن نعمان، الاختصاص، به کوشش: غفاری و محرمی زرنندی، قم، المؤتمر

العالمی لالیفہ الشیخ المفید، ۱۴۱۳ الف.

_____، الارشاد، به کوشش: مؤسسہ آل البیت علیہ السلام، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ب.

_____، الارشاد، ترجمہ: رسولی محلاتی، تهران، اسلامیہ، بی تا.

مقدس، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، به کوشش: عبدالفتاح محمد الحلو، قاہرہ، مکتبۃ عالم الفکر، ۱۳۹۹.

نجاشی، فہرست اسماء مصنفی الشیعہ (رجال النجاشی)، قم، مؤسسۃ النشر الاسلامی، ۱۴۱۶.

نعمانی، محمد بن ابراہیم، الغیبہ، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷.

نعیم بن حماد المروزی، الفتن، به کوشش: سہیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.

یاقوت حموی، یاقوت بن عبد اللہ، معجم البلدان، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۵ م.

یزدی حائری، علی، الزام الناصب، با تصحیح علی عاشور، بیروت، مؤسسہ الاعلمی، ۱۴۲۲.

